

بررسی گذرایی کتاب «خواندن و نوشتن دوره مقدماتی نهضت سوادآموزی» از منظر فرانش اندیشگانی

ابراهیم رضاپور^۱
مریم جلیلی دو آب^۲

چکیده

توجه به ویژگی «گذرایی» افعال، نقش مهمی در حوزه محتوا و به طور خاص درک مطالب کتب آموزشی، بویژه آموزش زبان دارد؛ یعنی در سطح پایه درک مطلب خواندن کتب آموزشی و سوادآموزی، بندهای با گذرایی بسیار بالا و به تدریج در سطوح بعدی، گذرایی با مقیاس‌های بعدی باید لحاظ شود. هدف این پژوهش، توصیف و تحلیل موردی کتاب «خواندن و نوشتن فارسی دوره مقدماتی نهضت سوادآموزی» با استفاده از نظریه یادگیری زبان بنیاد هالیدی (۱۹۹۳) در زمینه کاربرد ساخت‌های با میزان گذرایی بالا و بنیادی در گفتار کودکان و همچنین دیدگاه هالیدی و متیسن (۲۰۰۴) درباره «گذرایی» از طریق بررسی فرآیندهای فعلی، از دیدگاه فرانش اندیشگانی است. بر این اساس می‌توان با بررسی گذرایی افعال موجود و تعیین بسامد وقوع آنها در کتاب مورد بحث، به میزان گذرایی کتاب پایه سوادآموزی دست یافت. نتایج نشان می‌دهد که میزان گذرایی بندها در این کتاب حدود ۴۷٪ پایین است و اغلب بندها دارای فعل‌های ذهنی و رابطه‌ای هستند و در مرحله بعد، فعل‌های مادی قرار می‌گیرند؛ در حالی که در سطح پایه سوادآموزی، متن باید گذرایی بالایی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: نظام گذرایی؛ فرانش اندیشگانی؛ فرآیند؛ انواع فرآیندها؛ متون پایه آموزش زبان؛ سوادآموزی.

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول). abraham_rezapour@profs.semnan.ac.ir.

۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه سمنان. maryam_jalili78@yahoo.com.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰

۱. مقدمه

همواره یکی از مسائل اساسی در تهیه و تدوین مطالب درسی در آموزش زبان، درجه‌بندی و چینش^۱ بندها در متون بوده است. متون آموزش زبان فارسی هم از این قاعده مستثنا نیست و از این رو راهکارها و معیارهای بسیاری از سوی صاحب‌نظران آموزش زبان در زمینه درجه‌بندی مطالب درسی ارائه شده است. با توجه به فرضیات مطرح‌شده اسلویین (۱۹۸۱)، بالکام (۱۹۹۳) و هالیدی (۱۹۹۳) در بخش چارچوب نظری، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از معیارهای چینش متون آموزش زبان فارسی در سطح پایه و مقدماتی، این است که این متون باید گذرایی بالاتری نسبت به سطوح بالاتر داشته باشند. نگارندگان در این پژوهش، کتاب مقدماتی «خواندن و نوشتن فارسی دوره مقدماتی نهضت سوادآموزی» را یکی از کتب آموزش زبان از نوع سوادآموزی در سطح پایه فرض کرده‌اند که چینش مطالب خواندن و نوشتن آن نیز باید مانند چینش مطالب درسی کتب آموزش زبان فارسی برای غیر فارسی‌زبانان باشد.

در این جا لازم است مفهوم «گذرایی» به تفصیل توضیح داده شود:

«گذرایی» از دیدگاه صورت‌گرایان، مفهومی مطلق است و از این دیدگاه، افعال را به لازم و متعدی تقسیم‌بندی می‌کنند؛ اما از دیدگاه نقش‌گرایی، «گذرایی» را بر اساس ملاک‌های نقشی و معنایی تعیین می‌کنند. (راسخ مهند، ۱۳۹۱) از دیدگاه صورت‌گراها تمام جملات متعدی، به یک اندازه متعدی‌اند و تمام جملات لازم نیز به یک اندازه لازم‌ند. در دستور زبان رایج، جملات متعدی را جملاتی می‌دانند که مفعول دارند و عملی که فعل جمله به آن اشاره می‌کند، از فاعل به مفعول منتقل می‌شود. افعال لازم نیز بیشتر به صورت سلبی تعریف شده‌اند؛ یعنی فعلی که متعدی نیست، لازم است. افعال لازم، افعالی با یک ظرفیت هستند؛ مانند «رفت» و «خواهید» در «احمد رفت» و «علی خواهید». (همان منبع).

برخلاف دیدگاه صورت‌گرایان، «گذرایی» در نگاه نقش‌گراها دارای ویژگی‌هایی است و تنها به داشتن مفعول خلاصه نمی‌شود. مفهوم «تعدی» دارای یک طیف است و می‌توان از کم و زیاد بودن آن سخن گفت. هاپر^۲ و تامپسون^۳ (۱۹۸۰) می‌گویند: «تعدی از چند بخش یا ویژگی تشکیل می‌شود که وجود مفعول، یکی از این بخش‌ها یا ویژگی‌هاست». همه بخش‌ها به اثرات انجام فعل

مربوط می‌شوند. هاپر و تامپسون (۱۹۸۰) تعدی را ویژگی‌ای می‌دانند که به کل یک بند مربوط می‌شود؛ یعنی کنش از کنشگر به کنش‌پذیر می‌رسد و هر ویژگی یا هر بخش از تعدی در حکم یک میزان^۴ است که به وسیله آن می‌توان مرتبه افعال را مشخص کرد.

هاپر و تامپسون (۱۹۸۰) ده پارامتر زیر را بخش‌های سازنده تعدی زیاد می‌دانند:
 وجود دو مشارک^۵ یا بیشتر؛ جنبش^۶ (کنش)؛ نمود کامل^۷؛ توالی^۸؛ ارادی بودن^۹؛ مثبت^{۱۱} بودن؛
 حالت واقعی^{۱۲}؛ کنشگری با توان بالا^{۱۳}؛ تأثیرپذیری کامل مفعول^{۱۴}؛ فردیت کامل مفعول^{۱۵}.
 آنها ده پارامتر متضاد را بخش‌های سازنده تعدی پایین می‌دانند که شامل موارد زیر است:
 یک شرکت کننده؛ بدون کنش^{۱۶}؛ نمود ناقص^{۱۷}؛ منقطع^{۱۸} بودن؛ غیرارادی بودن^{۱۹}؛ منفی^{۲۰} بودن؛
 حالت غیرواقعی^{۲۱}؛ کنشگری با توان کم^{۲۲}؛ مفعول نامتأثر^{۲۳}؛ مفعول غیرفردی^{۲۴}.

هالیدی^{۲۵} و متیسن^{۲۶} (۲۰۰۴) در فصل ۵ کتاب خود به «گذرایی» از بعد نقش پرداخته‌اند. آنها چند فاکتور را در این مفهوم مهم می‌دانند. از نظر آنها نوع فرآیند، تعداد شرکت‌کنندگان و افزوده‌های حاشیه‌ای، تعیین‌کننده میزان گذرایی هستند. هرچه تعداد شرکت‌کنندگان و افزوده‌های حاشیه‌ای یک متن بیشتر باشد، گذرایی آن نیز بیشتر است. در بحث فرآیندها نیز فرآیندهای مادی را عامل بالابرنده گذرایی، و افعال ذهنی و رابطه‌ای را عامل پایین آورنده گذرایی می‌دانند. نگارندگان در این پژوهش به بررسی انواع فرآیندها در کتاب «خواندن و نوشتن فارسی دوره مقدماتی» براساس دیدگاه هالیدی و متیسن (۲۰۰۴) پرداخته‌اند. تمام افعال کتاب مورد نظر با توجه به نوع فرآیند موجود در آنها و بر اساس دیدگاه هالیدی و متیسن استخراج شده و سپس با توجه به دیدگاه آنها درباره تأثیر فرآیندها در میزان گذرایی، به توصیف و تحلیل داده‌ها پرداخته است. تعداد و درصد وقوع انواع فرآیندها در کتاب مورد نظر محاسبه شده و درصد کاربرد فرآیندها به‌عنوان یک شاخص گذرایی، در نظر گرفته شده است.

۱. پیشینه پژوهش

راسخ مهند (۱۳۹۱) سعی دارد طیف گذرایی افعال فارسی را از دیدگاه نقش‌گرایی، بر اساس ملاک‌های نقشی و معنایی مشخص کند. وی نشان می‌دهد که دو عامل کاهش تأثیرپذیری مفعول و افزایش عاملیت فاعل چگونه می‌تواند بر میزان گذرایی فعل تأثیر بگذارد. نتایج نشان می‌دهد که

با این دو طیف می‌توان طیف معنایی و نقش گذرایی در فارسی را تعیین کرد و اثرات این عوامل را بر پدیده‌های گوناگون نحوی، مانند ساخت مجهول و ساخت ناگذرا در فارسی مشاهده کرد. رضاپور (۱۳۹۲) به دنبال ارائه الگویی جدید در زمینه درجه‌بندی بندها در متون آموزش زبان فارسی، از طریق پارامترهای «گذرایی» و «استعاره دستوری» است. وی بندهای کتاب «خواندن و درک مطلب فارسی (دوره پایه)» را براساس ده پارامتر هاپر و تامپسون (۱۹۸۰) درجه‌بندی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که میزان گذرایی بندهای متون این کتاب نسبتاً پایین است و تعداد زیادی استعاره دستوری اسم‌سازی و وجهیت در کتاب به کار رفته است؛ در حالی که در سطح پایه، متن باید حاوی بندهایی با میزان گذرایی بالا باشد و همچنین بر اساس نظریه زبان‌بنیاد هالیدی (۱۹۹۳) استعاره دستوری باید در سطح پیشرفته آموزش داده شود.

هاپر و تامپسون (۱۹۸۰) در مقاله خود «گذرایی» را پدیده‌ای مدرج و متأثر از پارامترهای: شرکت‌کنندگان؛ حرکت؛ نمود؛ لحظه‌ای بودن؛ ارادی بودن؛ مثبت بودن؛ وجه؛ عاملیت؛ تأثیرپذیری مفعول و فردیت مفعول می‌دانند. بر اساس این پارامترها، هر قدر که جمله‌ای تعداد بیشتری از این ویژگی‌ها را داشته باشد، متعدی‌تر است. پس متعدی بودن، فقط به وجود یا نبود مفعول منحصر نمی‌شود.

تسونودا^{۲۲} (۱۹۸۱) جملات دارای دو شرکت‌کننده را در صورتی متعدی می‌داند که شرط کارایی داشته باشند؛ یعنی اگر مفعول تأثیر پذیرفته باشد یا فردیت داشته باشد (مشخص یا معرفه باشد)، یا فعل به صورت کامل انجام شده باشد و غایی باشد، شرط کارایی، اعمال شده و جمله متعدی است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

در این بخش از پژوهش، به بررسی انواع فرآیندها از دیدگاه دستور نقش‌گرای نظام‌مند^{۲۸} هالیدی که در توصیف و تحلیل داده‌ها به کار می‌روند، می‌پردازیم. وی معتقد است که نوع فرآیند، تعداد شرکت‌کنندگان و افزوده‌های حاشیه‌ای، تعیین‌کننده میزان «گذرایی» هستند. هر چه تعداد شرکت‌کنندگان و افزوده‌های حاشیه‌ای یک متن بیشتر باشد، گذرایی آن نیز بیشتر است. در بحث فرآیندها نیز فرآیندهای مادی را عامل بالابرنده گذرایی، و افعال ذهنی و رابطه‌ای را عامل پایین‌آورنده گذرایی می‌داند. نظام گذرایی^{۲۹} مکانیسم بیان فرانش اندیشگانی^{۳۰} و تجربی^{۳۱} در زبان است. از

آن جا که در چارچوب نقش گرای، «گذرایی» را می توان در قالب افعال و فرآیندها درجه بندی کرد، در این نوشتار با بررسی انواع فرآیندهای موجود از بُعد فرانش اندیشگانی، به گذرایی کتاب مورد بحث می پردازیم.

هالیدی فرانش اندیشگانی را یکی از سه نوع فرانش تشکیل دهنده بافت موقعیتی می داند. بخش بزرگی از تجربه روزانه ما به وسیله اعمال، رویدادها، تفکرات و تصورات ما شکل می گیرد و تعریف می شود و نظام زبان، این نقش مهم را بر عهده دارد که اعمال و اقدامات گوناگون جهان را منعکس کند؛ بدین معنا که زبان، قابلیت بازنمایی اعمال، گفتار و تفکرات ما را دارد. هالیدی در دستور نقش گرای نظام مند، این نقش زبان را به «فرانش اندیشگانی» و در ذیل آن، به «فرانش تجربی» می دهد. امکان و قابلیت دستوری برای بازنمایی تجربه در زبان، «نظام گذرایی» نامیده می شود. منظور از گذرایی در این جا، مفهومی نیست که در دستور زبان رایج به کار رفته است. «گذرایی» برخلاف دیدگاه سنتی، مؤلفه های بسیاری دارد که تنها یکی از آنها «حضور مفعول در بند» است. در ادامه به معرفی انواع فرآیندها می پردازیم.

فرآیند عبارت است از یک رخداد، کنش، گفتار یا بود و نبود که به ۶ نوع تقسیم می شود: ۳ نوع فرآیند اصلی و ۳ نوع فرآیند فرعی.

فرآیندهای اصلی

۱. فرآیندهای مادی: این فرآیندها اعمالی فیزیکی هستند که بر انجام کاری یا روی دادن واقعه ای دلالت دارند. افعالی مانند: اتفاق افتادن، ساختن، خلق کردن، نوشتن، رنگ کردن، باز کردن و رفتن، در فرآیندهای مادی به کار می روند. (هالیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۷۹-۱۹۰).

۲. فرآیندهای ذهنی: این فرآیندها به تجربه ما از جهان خودمان مربوط هستند؛ درحالی که فرآیندهای مادی، به تجربه ما از دنیای بیرون مربوط می باشند. (همان: ۱۹۷). فرآیندهای ذهنی شامل ادراک، شناخت و واکنش های ذهنی می شوند. فرآیندهای ذهنی با افعالی مانند: درک کردن، فکر کردن، خواستن، تصمیم گرفتن، دوست داشتن و ترسیدن همراه هستند. (همان: ۲۱۰).

۳. فرآیندهای رابطه ای: ^{۳۲} فرآیندهایی هستند که به توصیف یا شناسایی مربوط می شوند. رابطه بین دو چیز یا پدیده با یکدیگر در قالب فرآیند رابطه ای، با استفاده از افعال ربطی و معمولاً با فعل

بودن بیان می‌شود. فرآیندهای رابطه‌ای با افعال ربطی مانند: بودن، شدن، به نظر رسیدن و تبدیل شدن بیان می‌شوند. (همان: ۲۱۰-۲۸۸).

فرآیندهای فرعی

فرآیندهای رفتاری،^{۳۳} کلامی و وجودی^{۳۴} را فرآیندهای فرعی می‌گوییم؛ چراکه در مرز فرآیندهای اصلی قرار می‌گیرند.

۱. فرآیندهای رفتاری: این نوع فرآیندها بین فرآیندهای مادی و ذهنی قرار دارند. این گروه از فرآیندها، به رفتارهای جسمانی و روان‌شناختی انسان مربوط می‌شوند. (همان: ۲۴۸). افعالی مانند نگاه کردن، گریه کردن، لبخند زدن، نفس کشیدن، آواز خواندن و نشستن در بندهای فرآیند رفتاری به کار می‌روند.

۲. فرآیندهای کلامی: این نوع فرآیندها به‌طور کلی شامل فرآیندهایی از نوع گفتن می‌شوند. فرآیندهای کلامی بین فرآیندهای ذهنی و رابطه‌ای قرار دارند. فرآیندهای کلامی، با افعالی مانند صحبت کردن، گزارش دادن، پرسیدن و دستور دادن بیان می‌شوند. (همان: ۲۵۲-۲۵۶).

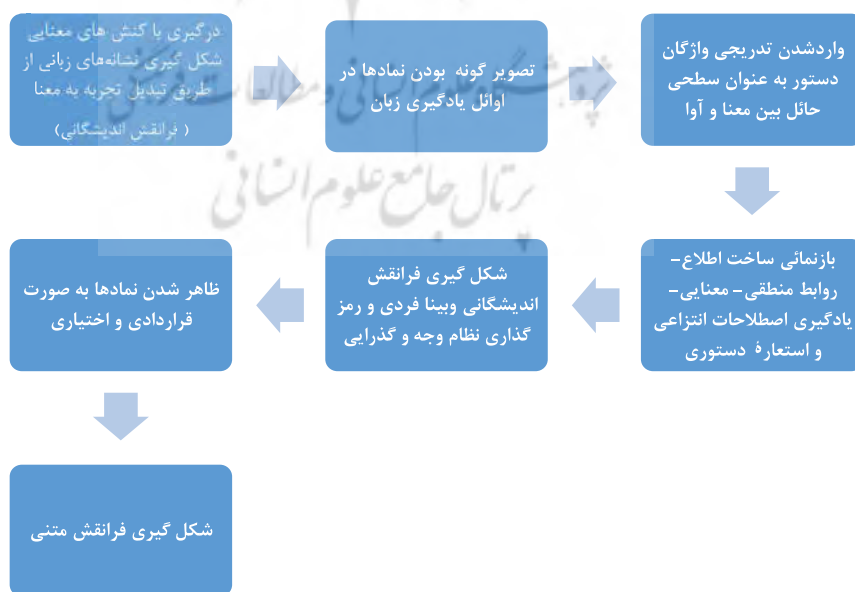
۳. فرآیندهای وجودی: این فرآیندها، وجود داشتن یا روی دادن چیزی را بیان می‌کنند. (همان: ۲۵۶) این فرآیندها بین فرآیندهای مادی و رابطه‌ای قرار دارند. فرآیندهای وجودی، با افعالی مانند وجود داشتن، ظاهر شدن، آویزان بودن و باقی ماندن همراه هستند.

تا این‌جا مبانی نظری از دیدگاه نقش‌گرایی مطرح شد. این مبانی، تنها کارایی توصیف داده‌ها را دارند. تعیین میزان گذرایی کتاب مورد بحث، به تنهایی ارزش علمی ندارد. نگارندگان قصد دارند توصیف این کتاب را در خدمت آموزش زبان فارسی به کار گیرند. هدف پژوهش این است که تأثیر گذرایی متون را در آموزش زبان، بویژه زبان فارسی نشان دهد.

بسیاری افراد از دیدگاه نقش‌گرایی به یادگیری زبان کودک پرداخته‌اند. آنان معتقدند آموزش زبان باید بر اساس الگوی فراگیری زبان توسط کودکان پیش برود. بر این مبنا نگارندگان این مقاله، کتاب «درک خواندن و نوشتن مقدماتی نهضت سوادآموزی» را به‌عنوان کتاب پایه آموزش زبان فارسی به سوادآموزان در نظر گرفته‌اند که باید آموزش آن بر اساس الگوی فراگیری زبان پیش برود. در این راستا با اشاره به برخی از فرضیه‌های آموزش زبان بر مبنای یادگیری زبان کودک، به تحلیل

داده‌ها می‌پردازیم.

- فرضیهٔ اسلوبین: ^{۳۵} وی مدعی است که تنها رخدادهای با گذرایی اصلی و بالا در مراحل اولیهٔ دستوری شدگی به صورت کانونی رمزگذاری می‌شوند. (اسلوبین ۱۹۸۱: ۱۸۵).
- فرضیهٔ بالکام: ^{۳۶} بنابر این نظریه کودکان، رخدادهای با گذرایی اصلی و بنیادی را در پاره گفتارها رمزگذاری می‌کنند و بعدها با ابزارهای دستوری، آنها را فرا گرفته و برای توصیف رخدادهای با گذرایی پایین‌تر، از آنها استفاده می‌کنند. (بالکام ۱۹۹۳: ۱).
- نظریهٔ یادگیری زبان بنیاد هالیدی: وی مدعی است که باید فرآیندهای یادگیری را به طور کلی به همان روشی الگوسازی کنیم که کودکان از ابزارها و منابع برای بازنمایی معنا استفاده می‌کنند. وی معتقد است که نظریه‌های یادگیری زبان باید بر اساس مشاهدات رشد زبان کودک طراحی شود. (هالیدی ۱۳۹۳: ۹۳). هالیدی نشانه‌شناسی را خاستگاه یادگیری بشر می‌داند و بحث‌های بسیاری در زمینهٔ یادگیری زبان توسط کودکان، نوجوانان و جوانان ارائه کرده است. می‌توان مشخصه‌های رشد زبان را از منظر نقش‌گرایی نظام‌مند هالیدی این گونه ترسیم کرد:



فرضیه‌های مطرح شده بالا نشان می‌دهد که کودکان از رخدادهای با گذرایی بالا و اصلی در به‌کارگیری دستور زبان استفاده می‌کنند. بنابراین، با پذیرش نظریه زبان‌بنیاد هالیدی^{۳۷} (۱۹۹۳) در زمینه یادگیری زبان از طریق الگوهای یادگیری زبان کودک، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که فارسی‌آموزان نیز در زمینه گذرایی، باید از الگوهای یادگیری زبان کودک بهره بگیرند؛ یعنی از متون آموزشی با گذرایی بالا در امر یادگیری زبان و سوادآموزی بهره ببرند. فارسی‌آموزان می‌توانند شامل افراد فارسی‌زبان در امر سوادآموزی، چه بزرگسال در نهضت سوادآموزی و چه کودکان دبستانی و افراد غیر فارسی‌زبان در امر یادگیری زبان دوم باشند.

در این پژوهش انواع فرآیندهای کتاب مورد بحث بر اساس ۶ نوع تقسیم‌بندی هالیدی و متیسن (۲۰۰۴) گروه‌بندی شده و سپس بنابر نظریه آنها پیرامون فرآیندهای دارای گذرایی بالا و پایین، دوباره دسته‌بندی و در نمودار و جدول ارائه شده‌اند. این تقسیم‌بندی‌ها در خدمت نظریات آموزش زبان طبق الگوی یادگیری زبان کودک، به‌ویژه در خدمت نظریه یادگیری زبان‌بنیاد هالیدی (۱۹۹۳) صورت گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، کتاب «خواندن و نوشتن فارسی دوره مقدماتی» در این تحقیق بررسی شده است. ابتدا تمام افعال موجود در متن کتاب استخراج و فرآیندهای به‌کار رفته در آنها مشخص و انواع فرآیندها بر اساس تقسیم‌بندی هالیدی، گروه‌بندی شده‌اند. درصد و بسامد وقوع انواع فرآیندها که با بررسی تمام افعال در این کتاب به‌دست آمده، به‌عنوان یک شاخص «گذرایی» در نظر گرفته شده است. در جداول و نمودارهای زیر، نتایج این بررسی به تفکیک تعداد و درصد هر فرآیند در متن دیده می‌شود.

پیش از ارائه مقادیر کمی گذرایی از کتاب مورد بحث، لازم است به ارائه نمونه‌هایی از فرآیندهای مورد نظر در قالب بندهایی از متن این کتاب پردازیم:

۱. فرآیندهای مادی: افعال مشخص شده در جملات زیر، اعمالی فیزیکی هستند که بر انجام کاری یا روی دادن واقعه‌ای دلالت دارند که ذیل فرآیندهای مادی به کار می‌روند:

- او در نورآباد درس داد.

- دکتر امیددی به مدیر مرکز کمک می کند.

- امین در قم کار می کند.

- مردم شهرها و روستاها در امر سوادآموزی، همکاری می کنند.

- اکبر در سفر از کمر بند ایمنی استفاده می کند.

۲. فرآیندهای ذهنی: افعال مشخص شده در جملات زیر، اعمالی ذهنی هستند که به تجربه ما

از جهان خودمان مربوط می شوند:

- او روستا را دوست دارد.

- سلمان به رسول خدا ایمان آورد.

- آنان قرآن را دوست دارند.

- مادر از دیدن آنان شاد شد.

- در مرکز سوادآموزی، کشت قارچ آموزش داده می شود.

۳. فرآیندهای رابطه‌ای: افعال مشخص شده در جملات زیر، اعمالی هستند که به توصیف یا

شناسایی مربوط می شوند:

- کشور ما بزرگ است.

- سارا در نورآباد بود.

- سلمان فارسی ایرانی بود.

- اسم این کودک اکرم است.

- خانه خدا قبله مسلمانان است.

۴. فرآیندهای رفتاری: افعال مشخص شده در جملات زیر، به رفتارهای جسمانی و روان‌شناختی

انسان مربوط می شوند که بین فرآیندهای مادی و ذهنی قرار می گیرند:

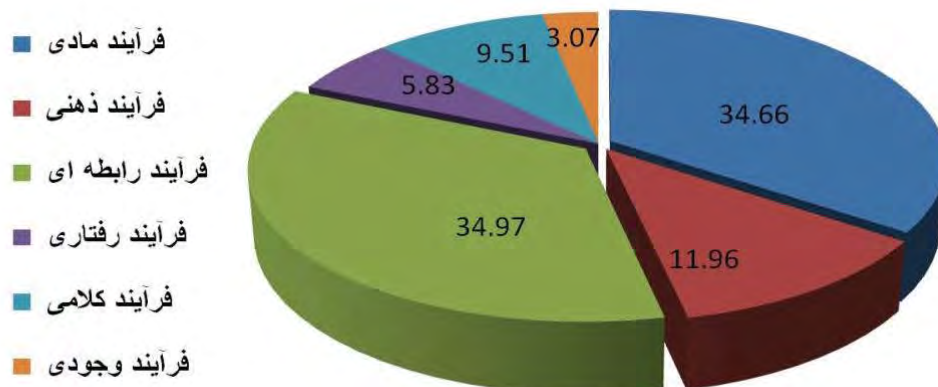
- آنان از صمیم قلب یکدیگر را دوست دارند و به هم محبت می کنند.

- مردم عزیز ما در مقابل دشمنان، مقاومت و پایداری کردند.

- ما باید از جنگل درست استفاده کنیم و در حفظ و نگه‌داری آن بکوشیم.
- اصغراقا هر سال از دادن خمس مال خود دریغ نمی‌کند.
- نماز، انسان را از بدی بازمی‌دارد.
۵. فرآیندهای کلامی: افعال مشخص شده در جملات زیر، به‌طور کلی شامل فرآیندهایی از نوع گفتن می‌شوند که بین فرآیندهای ذهنی و رابطه‌ای قرار دارند:
- رسول خدا فرمود: سلمان از ماست.
- او نیز هر روز قرآن را تلاوت می‌کند.
- قرآن ما را به تقوا سفارش می‌کند.
- یاسر از مادر تشکر کرد و گفت: مادر جان! خدا شما را همیشه برای ما نگه دارد.
- امام جمعه، خود و مردم را به تقوا و دفاع از اسلام دعوت می‌کند.
۶. فرآیندهای وجودی: افعال مشخص شده در جملات زیر، وجود داشتن یا روی دادن چیزی را بیان می‌کنند که بین فرآیندهای مادی و رابطه‌ای قرار دارند:
- در بعضی از استان‌های کشور ما کارخانه‌های ماشین‌سازی بزرگی وجود دارد.
- در اتاق امین کتاب قرآن هست.
- کارخانه ذوب‌آهن در استان اصفهان است.
- جدول شماره ۱. تعداد و درصد فرآیندها در متن کتاب

| نوع فرآیند | تعداد | درصد |
|-----------------|-------|--------|
| فرآیند مادی | ۱۱۳ | ۳۴.۶۶% |
| فرآیند ذهنی | ۳۹ | ۱۱.۹۶% |
| فرآیند رابطه‌ای | ۱۱۴ | ۳۴.۹۷% |
| فرآیند رفتاری | ۱۹ | ۵.۸۳% |
| فرآیند کلامی | ۳۱ | ۹.۵۱% |
| فرآیند وجودی | ۱۰ | ۳.۰۷% |
| مجموع فرآیندها | ۳۲۶ | ۱۰۰ |

نمودار شماره ۱. میزان فرآیندها در متن کتاب

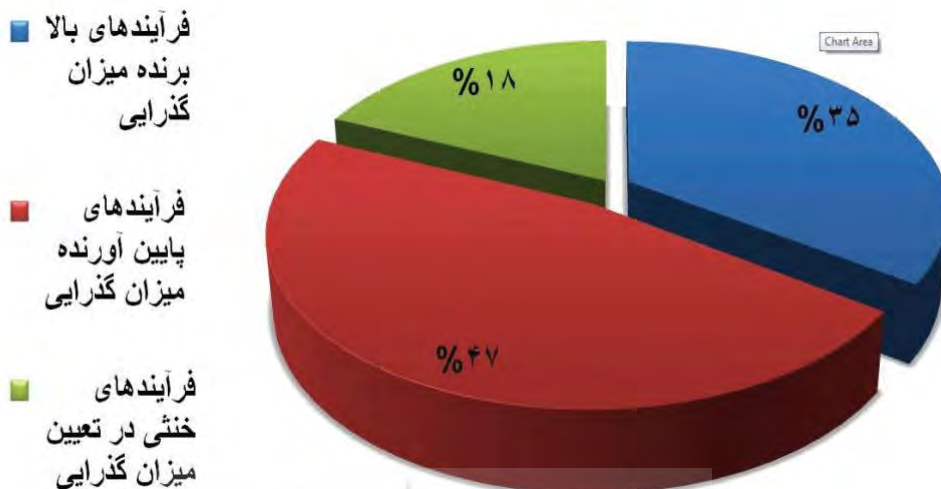


از دیدگاه فرانشس اندیشگانی و فرآیندهای موجود، هرچه فرآیندهای مادی یک اثر بیشتر باشد، میزان گذرایی آن اثر نیز بیشتر است و هر چه فرآیندهای رابطه‌ای و ذهنی یک اثر کمتر باشد، میزان گذرایی را بالا می‌برد. پس تعداد فرآیندهای مادی را یک طرف ترازو قرار داده و تعداد فرآیندهای ذهنی و رابطه‌ای را در طرف دیگر قرار می‌دهیم و بدین صورت با تعداد فرآیندهایی که تأثیری در گذرایی ندارند، مقایسه می‌شوند. در جدول و نمودار زیر، فرآیندهایی که بر میزان «گذرایی» تأثیر پذیرند، مقایسه شده‌اند.

جدول شماره ۲. تعداد و درصد فرآیندهای مؤثر در گذرایی متن

| نوع فرآیند | تعداد | درصد |
|--|---------------|------|
| فرآیند مادی (میزان گذرایی بالا) | ۱۱۳ | ۳۵% |
| مجموع فرآیندهای ذهنی و رابطه‌ای (میزان گذرایی پایین) | $۳۹+۱۱۴=۱۵۳$ | ۴۷% |
| مجموع فرآیندهای کلامی، رفتاری و وجودی (که نقشی در میزان گذرایی متن ندارند) | $۱۰+۳۱+۱۹=۶۰$ | ۱۸% |
| مجموع | ۳۲۶ | |

نمودار شماره ۲. درصد فرایندهای مؤثر در گذرایی متن



همان گونه که جدول و نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد، بنابر نظریه هالیدی و متیسن (۲۰۰۴) فرایندهایی که گذرایی متن را بالا می‌برند (فرایندهای مادی) حدود ۳۵٪ و فرایندهایی که گذرایی متن را پایین می‌آورند، حدود ۴۷٪ است. هالیدی (۱۹۹۳) مبنای مفهوم «گذرایی» در امر آموزش زبان در این پژوهش می‌باشد و هیچ ادعایی در مورد میزان مناسب ساخت‌های گذرا ارائه نکرده است. چارچوبی برای ارزیابی تعداد مناسب ساخت‌های گذرایی در سطوح مختلف آموزش زبان و سوادآموزی وجود ندارد؛ اما با توجه به درصدهای نمودار، می‌توان گفت مقدار گذرایی متن کتاب مورد بحث در حدود ۱۲٪ (اختلاف دو مقدار موجود) پایین است. از آن جا که چارچوبی برای میزان دقیق گذرایی متون در امر آموزش زبان و سواد ارائه نشده، میزان ۱۲٪ کم‌ترین مقدار گذرایی پایین کتاب مورد بحث را نشان می‌دهد. هالیدی (۱۹۹۳) درباره تعداد ساخت‌های گذرا در سطوح مختلف آموزش زبان صحبتی نکرده، اما از سخن او پیرامون گذرایی بالای متون آموزش زبان می‌توان این گونه برداشت کرد که حداقل ساخت‌های گذرایی بالا در متون آموزش زبان، باید بیشتر از ساخت‌های گذرایی پایین باشد. همان گونه که در جدول و نمودار شماره ۲ دیده می‌شود، ساخت‌های گذرایی بالا ۳۵٪ و ساخت‌های گذرایی پایین ۴۷٪ هستند. این داده‌ها نشان می‌دهد که میزان ساخت‌های گذرایی بالا نه تنها به مقدار مساوی با ساخت‌های گذرایی پایین نیست، بلکه از مقدار ساخت‌های گذرایی پایین حدود ۱۲٪ کمتر است.

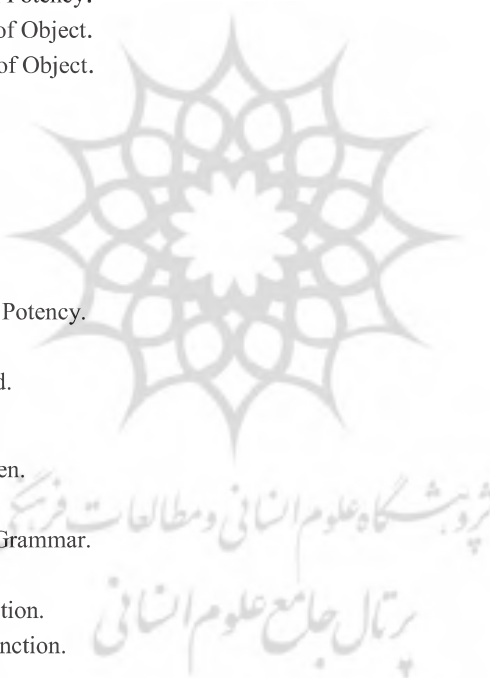
نتیجه‌گیری

توجه به مبحث «گذرایی» می‌تواند تا بسیاری از مشکلات درک مطلب و خواندن زبان فارسی را برای سوادآموزان برطرف سازد. نگارندگان سعی کرده‌اند تا با توصیف و تحلیل موردی کتاب «خواندن و نوشتن فارسی دوره مقدماتی نهضت سوادآموزی» با استفاده از نظریه یادگیری زبان بنیاد هالیدی (۱۹۹۳) در زمینه کاربرد ساخت‌های با میزان گذرایی بالا و بنیادی در گفتار کودکان و همچنین دیدگاه هالیدی و متیسن (۲۰۰۴) درباره گذرایی از طریق بررسی فرآیندهای فعلی از دیدگاه فرانش اندیشگانی پیرازند. این بررسی می‌تواند تا حدودی از نارسایی‌ها و مشکلات در متون درک مطلب و خواندن بکاهد.

نتایج نشان می‌دهد که میزان گذرایی بندها در کتاب مورد بحث حدود ۱۲٪ پایین است و اغلب بندها دارای فعل‌های ذهنی و رابطه‌ای هستند و در مرحله بعد، فعل‌های مادی قرار می‌گیرند. تعداد کل بندهای کتاب ۳۲۶ مورد است که از این تعداد ۵۳ بند (دارای فعل‌های ذهنی و رابطه‌ای) دارای گذرایی پایین و ۱۱۳ بند (دارای فعل‌های مادی) دارای گذرایی بالا و ۶۰ بند (دارای فعل‌های رفتاری و وجودی) بی‌تأثیر در گذرایی هستند. بنابراین، توجه به مبحث «گذرایی» در بحث درک مطلب و خواندن زبان فارسی، ضروری است؛ یعنی جملاتی با گذرایی بسیار بالا. در سطح پایه آموزش زبان و سوادآموزی و به تدریج در سطوح بعدی، گذرایی با مقیاس‌های بعدی باید لحاظ شود. بر این اساس هر چه فرآیندهای مادی یک اثر بیشتر باشد، میزان گذرایی آن اثر نیز بیشتر است و هر چه فرآیندهای رابطه‌ای و ذهنی یک اثر زیادتر باشد، میزان گذرایی اثر را پایین می‌آورد. نتایج نشان می‌دهد که میزان گذرایی متن کتاب مورد بحث حدود ۱۲٪ پایین است؛ در حالی که در سطح پایه سوادآموزی متن باید گذرایی بالایی داشته باشد.

پی نوشت

1. Grading & Sequencing.
2. P.J. Hopper.
3. S.A. Thompson.
4. Scale.
5. Participants.
6. Kinesis.
7. Action.
8. Telic Aspect.
9. Punctuality.
10. Volitionally.
11. Affirmative.
12. Realist Mode.
13. Agency with a High Potency.
14. Total Affectedness of Object.
15. High Individuation of Object.
16. Non-Action.
17. Atelic Aspect.
18. Non-Punctual.
19. Non-Volitionally.
20. Negative.
21. Irrealis Mode.
22. Agency with a Low Potency.
23. Object not affected.
24. Object- Individuated.
25. M.A.K. Halliday.
26. C.M.I.M. Matthiessen.
27. T. Tsunoda.
28. Systemic Function Grammar.
29. Transitivity System.
30. Ideational Metafunction.
31. Experiential Metafunction.
32. Relational Process.
33. Behavioral Process.
34. Existential Process.
35. Slobin, D. I.
36. Balcom, P.
37. Halliday's Language-based Theory.



منابع

۱. آقاگل‌زاده، فردوس، عالیہ کرد زعفرانلو کامبوزیا و سید حسین رضویان (۱۳۹۰)، «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، علمی - پژوهشی، سال چهارم، ش ۱، ش پایایی ۱۱.
۲. - حق‌شناس، علی‌محمد و زینب محمدابراهیمی جهرمی (۱۳۸۲)، «لزوم و تعدی در زبان فارسی»، فلسفه و کلام، ش ۳۷، ۴۳-۶۰.
۳. - راسخ مهند، محمد (۱۳۹۱)، «لازم و متعدی در زبان فارسی»، ویژه‌نامه فرهنگستان، ش ۸، ۱۶۹-۱۸۷.
۴. - رضاپور، ابراهیم (۱۳۹۲)، «درجه‌بندی و چینش متون آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بر پایه گذرایی و استعاره دستوری»، پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (علمی - پژوهشی)، سال دوم، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
5. Balcom, P. (1993), "Transitivity in Early Child Language", *Linguistica Atlantica*, 15:1-37.
6. Halliday, M.A.K. (1993), "Towards a Language-based Theory of Learning", *Linguistics and Education*, 5: 93-116.
7. Halliday, M.A.K. & C.M.I.M. Matthiessen (2004), *An Introduction to Functional Grammar*, 3^{Ed}. London: Edward Arnold Publisher Ltd.
8. Hopper, Paul J. & Sandra A. Thompson (1980), "Transitivity in Grammar and Discourse", *Language, Journal of the linguistic Society of America*, Vol.56, No.2, 251-299.
9. Slobin, D. I. (1981), "The origin of grammatical encoding of events". In W. Deutsch(Ed), *the Child's Construction of Language*, London: Academic Press, 185-198.
10. Tsoumada, T. (1999), "Transitivity and intransitivity", *Journal of Asian and African Studies*, No. 57, 1-9.